

تحلیل عوامل داخلی و خارجی تأثیرگذار بر وضعیت سیاسی-اجتماعی تبریز در جنگ جهانی اول

علی نارودی

گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران

معصومه قره داغی (نویسنده مسئول)

گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران

عباس قدیمی قیداری

گروه تاریخ، دانشگاه دولتی تبریز، تبریز، ایران

نازلی اسکندری نژاد

گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا) ۲۰۰۸-۲۰۲۱ دوره ۱۹ شماره ۷۴ پاییز ۱۴۰۳ صفحه ۱۵۰-۱۳۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۹/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۳/۱۲

چکیده

ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی، اقتصادی و سیاسی خود در طول تاریخ محل مناقشه دولتهای بزرگ جهانی بوده است. در جنگ جهانی اول علیرغم اینکه دولت ایران به صراحت اعلام بی طرفی کرد اما همین ویژگی های استراتژیک ایران سبب شد کشور درگیر مناسبات سیاسی نیروهای درگیر جنگ شود. در این مناسبات سه عامل جریانات هویت گرا، وابستگی ایران به دولتهای بیگانه و ضعف سیاسی و اقتصادی دولت مرکزی تعیین کننده بوده است. در این دوره تبریز به دلیل موقعیت جغرافیایی، ساختار اجتماعی و فرهنگی خود عرصه مناقشه بین نیروهای عثمانی و روس بود. دولتهای عثمانی و آلمان با کوبیدن بر طبل احساسات هویت طلبانه گروه های نژادی، قومی و مذهبی سعی کردند موقعیت خود را در منطقه تثبیت کنند و از طرفی دیگر نفوذ و قدرت دولت روسیه و وابستگی و ضعف دولت مرکزی در برابر آنها سبب شد آذربایجان و بویژه شهر تبریز در این دوران شاهد رویدادهایی همچون فعالیت پانترکها، مقابله ملی گراها در برابر هویت طلبان، اختلافات مذهبی و دینی و مانع تراشی دولت روسیه در برابر احیاء سنت و لیبهد نشینی تبریز باشد. کلید واژه: جنگ جهانی اول، تبریز، وابستگی، ضعف دولت مرکزی، هویت گرایی

جنگ جهانی اول یک نقطه عطفی در تاریخ کشورهای خاورمیانه و به ویژه ایران محسوب می‌شود. در این دوران ضعف دولت مرکزی ایران، عدم انسجام نیروهای داخلی کشور و نیز اهداف سیاسی و اقتصادی کشورهای درگیر در جنگ که ایران را به عنوان یک موقعیت سوق الجیشی جغرافیایی و سیاسی برای رسیدن به اهداف خود و در تنگنا قرار دادن دول رقیب قلمدا می‌کردند سبب شد نه تنها استقلال سیاسی ایران تحدید شد بلکه پای دولتها و قدرتهای جدیدی همچون دولتهای عثمانی و آلمان نیز به کشور باز شد و ایران در عمل علیرغم اظهار بی طرفی وارد معادلات سیاسی دولتهای درگیر در جنگ جهانی اول گردید.

در این دوران ایران در یکی از بدترین شرایط تاریخی خود به لحاظ قدرت سیاسی قرار داشت. از یک سو تنشهای سیاسی ناشی از جنبشهای مشروطه خواهی و نیز ساختار حاکمیت استبدادی که با وجود تحركات اجتماعی و سیاسی برای نوسازی سیاسی هنوز هم به قدرت ادامه یافته بود. از سویی دیگر بحرانهای اقتصادی و شرایط متزلزل سیاسی زمینه را برای تاخت و تاز دولتهای بیگانه فراهم ساخته بود بگونه‌ای که ارتش روسیه تا فتح دروازه‌های تهران و انقراض حکومت قاجار نیز پیش رفت. در این اثنا بسیاری از شهرهای ایران درگیر اثرات مستقیم و غیر مستقیم جنگ شدند از جمله منطقه آذربایجان و شهر تبریز که در کانون تحركات و مناقشات دو دولت روسیه و عثمانی قرار گرفته بود. دولت عثمانی دارای قلمرو بسیار پهناوری بود که منافع آنرا به دیگر کشورها و دولتها در منطقه مرتبط می ساخت. تعارض منافع این دولت با روسیه و انگلیس، اشتراکات فرهنگی، قومی و مذهبی آن با ایران و اغراض سیاسی که در منطقه به دنبال دستیابی به آنها بود سبب شد دولت عثمانی را به یکی از دولتهای تاثیرگذار در این جریانات تبدیل کرد.

بعد از شروع جنگ جهانی اول دولت عثمانی برای گسترش سلطه و توسعه سیاستهای نفوذ و قدرت خود در کشورهای منطقه زمینه را برای نفوذ در مناطق قفقاز و آذربایجان مساعد می دید. دی‌ماه ۱۲۹۳ خورشیدی امپراتوری عثمانی نیروهایش را وارد خاک ایران کرد و پس از درگیری با نیروهای روس، آنها را عقب رانند. همزمان نبرد ساری‌قمیش در منطقه قفقاز بین نیروهای روسی و عثمانی در جریان بود. با عقب‌نشینی روس‌ها تا نزدیکی جلفا، شهر تبریز به تصرف عثمانی درآمد و عثمانی‌ها

به سمت شهرهای دیگر ایران حرکت کردند. (حسین پور خونیق، ۱۳۸۷: ۳۱). در مقابل نیروهای روس نیز دست به یورش بر علیه مواضع عثمانی‌ها در جنوب جلفا زده و با پیشوری به سمت تبریز این شهر را به تصرف خود درآوردند. این بار روسها به تبریز بسنده نکرده و به سمت غرب آذربایجان پیشروی خود را تا ارومیه و حتی تا دریاچه وان ادامه دادند. از این رو تبریز به محل مناقشه نیروهای روسیه و عثمانی تبدیل شد. از این رو با توجه به درگیری تبریز در جریانات سیاسی و اجتماعی حاصل از جنگ مقاله حاضر سعی کرده است عوامل داخلی و خارجی تأثیرگذار بر وضعیت سیاسی-اجتماعی تبریز در جنگ جهانی اول را مورد تحلیل قرار دهد. بررسی منابع و نوشته‌های تاریخی نشان داد این تحولات را می‌توان در سه عامل جریانات هویت‌گرایی، وابستگی و ضعف دولت مرکزی ایران دسته‌بندی کرد.

جنگ جهانی اول و تحرک هویت‌گرایی در آذربایجان

ایران از گذشته‌های دور به دلیل موقعیت جغرافیایی خود محل عبور و توقف اقوام و فرهنگهای مختلف بوده است که این موضوع زمینه‌ساز حضور اقوام و نمایندگان فرهنگهای مختلف بوده است که هر کدام از این اقوام در شکل دهی به ساختار فرهنگی و اجتماعی ایران نقش بسزایی داشته‌اند. این تنوع فرهنگی به همراه مزیت‌های استراتژیک و اقتصادی ایران یکی از عوامل مهم توجه بیگانگان به ایران بوده است (زریری، ۱۳۸۴: ۲۱) در این راستا تاریخ ایران مملو از جریانات و رخدادهایی از قبیل تهاجمات، تهدیدها، مناقشات و رقابت‌های داخلی و خارجی بوده است که در بسیاری از موارد این رویدادها اختلال و انشقاق‌های تأثیرگذاری در هویت و انسجام ملی ایرانیان بوجود آورده است (دیلمقانی و قاسمی ترکی، ۱۳۹۷: ۴۳)

شاید بتوان تاریخ معاصر ایران بویژه دوران زمامداری شاهان قاجار را اوج مناقشات و کشمکش‌های تأثیرگذار در جریانات هویت‌گرایی و ملی‌گرایی دانست. در ایران دوران شاهد حضور گسترده دول بیگانه و تأثیرگذاری آنان در جریانات فکری، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه هستیم. در این دوران با سقوط امپراطوری‌های بزرگ جهانی و ظهور دولت - ملتها که در نتیجه تفکرات سیاسی مدرن حاکم بر جهان شکل گرفت و همچنین در نتیجه جریانات نوسازی سیاسی که با ورود مستشاران و متولیان سیاسی بیگانه به ایران شدت گرفت تفکرات استقلال‌طلبی و هویت‌گرایی در

ابتدا در سطوح ملی و به تدریج در سطوح قومی و محلی شکل گرفت. طبیعتاً ایران با وجود بهره‌مندی از اقوام و مذاهب مختلف خیلی مستعد ورود به جریانات هویت‌طلبی بوده است که این موضوع در برهه‌های زمانی مختلف دستاویز بیگانگان و قدرتهای داخلی کشور برای ایجاد انشقاق و تفرقه و بهره‌برداری برای رسیدن به اهداف سیاسی، اقتصادی، جناحی و اجتماعی شده است.

جنگ جهانی اول و کشنده شدن برخی از کشورهای به‌ظاهر بی‌طرفی نظیر ایران به جریانات این جنگ تغییرات زیادی در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آنها بوجود آورد در این دوران ایران عرصه کشمکش دولتهای درگیر در جنگ همچون روسیه، انگلستان و عثمانی بود که هر کدام سعی می‌کردند از ایران به‌عنوان برای رسیدن به اهداف خاص خود بهره‌برداری کنند. در این دوران ضعف ساختارهای حاکمیتی در ایران و نیز نفوذ ایدئولوژی‌های نوین ملی‌گرایی به شدت هویت ملی و انسجام و تمامیت ارضی ایران را به مخاطره انداخت (بیگدلو، ۱۳۹۶: ۶۵). در این دوره عوامل مرتبط با اندیشه‌های استقلال‌طلبی همچون تفکرات ایلی، تاکید بر زبان و قومیت، مذهب و فعالیت مسیونهای مذهبی در کنار تاثیر سیاستهای دول درگیر در جنگ فضای مناسبی را برای رشد تحركات هویت‌گرایانه در منطقه آذربایجان فراهم می‌ساخت (مرادی خلیج و حکیمی پور، ۱۳۹۴: ۳۱ و بیات، ۱۳۶۹: ۷۶ و هدایت، ۱۳۶۱: ۵۴ و آقاسی: ۳۱). شکل‌گیری حزب ترکان جوان در عثمانی و اندیشه‌های خاص این حزب باعث شد جابه‌جایی‌هایی در میان اقوام و گروه‌های مذهبی قفقازیه صورت گیرد که در آینده بسیاری از ساکنان این نواحی تأثیر چشمگیری داشت، توضیح آنکه سیاست‌های قوم‌گرایانه حزب ترکان جوان در طی جنگ اول به اوج خود رسید (مرادی خلیج و حکیمی پور، ۱۳۹۴: ۷۶).

به نظر می‌رسد بعد از انقلاب ۱۹۱۷ روسیه در آذربایجان و منطقه قفقاز زمینه‌هایی برای شکل‌گیری و رشد تحركات گروه‌های هویت‌طلب که فرصت مناسبی برای استقلال و اتحاد برای رسیدن به آمال تاریخی خود کسب کرده بودند، فراهم شد (صادقی‌نیا، ۱۳۸۸: ۳۱).

دولت عثمانی در کنار متحدین خود (آلمان و اتریش) برای گسترش نفوذ خود در منطقه بجای استفاده از استراتژی سیاسی و نظامی، سعی کردند از استراتژی‌های اجتماعی و فرهنگی استفاده کنند (باست، ۱۳۷۷: ۱۳۲). آنها با آگاهی از اشتراکات فرهنگی، قومی و مذهبی فراوانی که ایران با دولت عثمانی داشت سعی داشت با تاکید بر اختلافات قومی و مذهبی ماهی خود را از آب گل‌آلود

مناسبات اجتماعی، فرهنگی و البته سیاسی ایران بگیرد. آنها با تحریک مسلمانان بر علیه دو دولت مسیحی (روسیه و انگلیس) می توانستند اتحاد بیشتری با مسلمانان سنی مذهب هند و افغانستان ایجاد کرده و از این طریق قدرت نفوذ و تعیین کنندگی بریتانیا در منطقه بین النهرین و خاورمیانه را محدود سازند (آوری، ۱۳۶۳: ۷۶ و پورحسین خونیک، ۱۳۸۷: ۶۵). ترکها با استفاده از ایدئولوژی پان تورانیسم و پان اسلامیسم قصد داشتند سد قلعه مستکم انگلیس در هند را سرنگون سازند (کمالی، ۱۳۹۰: ۹۸)

در این دوران پیدایش حکومت جمهوری آذربایجان در شمال رود ارس، و فعالیت عثمانیها در برخی از شهرهای آذربایجان و البته ضعف دولت مرکزی زمینه نفوذ بیشتر عثمانیها را که علاوه بر درگیری با قوای متفقین دلهره شورش اعراب و تحریک آنان توسط انگلیسیها را در دل داشتند را در منطقه آذربایجان فراهم ساخت (کسروی، ۱۳۸۴: ۱۴۳) در این دوران شاهد رشد و گسترش دیدگاهها و جریانات فکری هویت گرایانه پان ترکی در منطقه آذربایجان هستیم که نشر روزنامه "آذربایجان" رسانه ای که این ایدئولوژی ها و سیاستها را تبلیغ می کرد تنها یکی از اقدامات آنها محسوب می شود (اتابکی، ۱۳۸۷: ۶۵). در این دوران در آذربایجان تحت تأثیر عثمانی ها که جنگ با روسیه را نوعی جهاد و دفاع از کیان اسلام در برابر کفار (روسها) قلمداد می کردند وارد جریانات هویت گرایانه پان ترکیستی شد (استپانیان، ۱۳۸۴: ۵۴). با این وجود فعالیت انجمن ترک اوجاقلاری در اواخر جنگ جهانی اول و اعلام مناطق مسلمان نشین قفقاز به نام منطقه مستقل آذربایجان از دستاوردهای این تحولات و اقدامات بوده است (عبدی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۱) عثمانی ها با حمایت از مجدالسلطنه افشار رومی و کمک به تاسیس حکومت «اتحاد اسلام» در شهرهای مختلف آذربایجان نظیر ارومیه، تبریز، سلماس، خوی، اردبیل، همدان و غیره به آذربایجان در تقابل با حملات آسوریان که در مناطق غربی آذربایجان همچون ارومیه و سلماس کمک کردند (کسروی، ۱۳۷۶: ۱۴۵ و صدقی و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۲) در این مناطق مسیحیان آسوری با رهبری مارشیمون و کردهای شکاک به رهبری اسماعیل سمیتقو مشکلاتی را برای حاکمان و ساکنین آذربایجان ایجاد کرده بودند (مرادی خلیج و حکیمی پور، ۱۳۹۴: ۷۶) تشدید اختلافات مذهبی بین مسلمانان و مسیحیان در این برهه سبب اخراج بسیاری از مسیحیان از قلمرو حاکمیت عثمانی گردید و آتش جریانات تجزیه

طلب مذهبی را شعله ور ساخت. با شروع جنگ جهانی بسیاری از آسوریان و ارمنیان که از قدرت گرفتن عثمانی‌ها در ایران بیم داشتند جانب روسیه را گرفتند که این موضوع نیز بهانه مناسبی به دست ترکان عثمانی داد تا بخشی از اقوام ایران و بویژه اکراد غرب ایران بر علیه این اقوام تجهیز و روانه میدان نبرد سازد.

البته عثمانی‌ها در این اقدامات توفیقی در کسب حمایت احزاب و گروه‌های سیاسی محلی نیافتند و تیره تر شدن روابط آنها با دموکراتها و تبعید رهبران محلی نظیر شیخ محمد خیابانی و نوبری به اتهام همکاری با ارامنه احساسات ضد عثمانی را برانگیخته و برنامه‌های آنان را در رسیدن به اهداف خود عملاً بدون نتیجه باقی گذاشت (صادقی نیا، ۱۳۸۸: ۵۴ و بیات، ۱۳۸۷: ۱۶۷) اقدامات عثمانی‌ها سبب نگرانی ناسیونالیست‌های ایرانی از شکل‌گیری جریان‌های هویت‌گرای ترکی گردید بطوریکه آنها با به چالش کشیدن ادعای عثمانی‌ها مبنی بر اشتراکات فرهنگی و زبانی ترکان آذربایجان و عثمانی در نشریات ناسیونالیستی از قبیل کاوه، ایرانشهر، نامه فرنگستان و آینده سعی کردند از کیان و تمامیت ارضی ایران دفاع کنند (صدقی و همکاران، ۱۴۰۰: ۸۷). دولت مرکزی ایران نیز که حضور بیگانگان را در آذربایجان عامل اصلی بحرانهای این منطقه می‌دانست دوباره تصمیم به اعزام ولیعهد به آذربایجان گرفت. البته سنت ولیعهد نشینی آذربایجان از اوایل سلطنت قاجار تا سال ۱۲۸۵ ه. ش یعنی زمان مرگ مظفرالدین شاه رایج بوده است که بعد از انقلاب مشروطه روسها برای اینکه بتوانند خود کنترل اوضاع را در اختیار داشته باشند این سنت را منسوخ کرده بودند (گرکه، ۱۳۷۷). روسها به بهانه حفظ امنیت منطقه و تداوم حضور خود در منطقه از پذیرش مجدد این سنت سر باز می‌زدند و آن را مخالف منافع روسیه دانسته و در راستای تحریک دول عثمانی‌فآلمان و اتریش می‌دانستند در حالیکه دولت مرکزی ایران بر این امر اصرار می‌ورزید (دشتکی نیا، ۱۳۹۷: ۵۶). در جدول شماره ۱ برخی از علل مهم تاثیرگذار بر شکل‌گیری جریان‌های هویت‌گرا در آذربایجان ذکر شده است. در این جدول همچنین رویدادها و وقایع مهم مرتبط با این جریان‌ها و پیامدهای حاصل از آنها نیز مورد توجه واقع شده است. همچنین در جدول مذکور نتایج و دستاوردهای مهم این تحولات نیز ذکر شده است.

تحلیل عوامل داخلی و خارجی تأثیر گذار بر وضعیت سیاسی-اجتماعی تبریز در جنگ جهانی اول

جدول ۱- علل، رویدادها، پیامدها و نتایج مرتبط با جریان‌ات هویت گرای آذربایجان در جنگ جهانی

اول

هویت گرای	علل	رویدادها	پیامد	نتیجه
اقدامات دول روس و انگلیس	پیمان نامه ۱۹۱۵ بین انگلیس و روسیه	احساسات ضد روسی و انگلیسی	زمینه شکل گیری حرکات ناسیونالیستی از نوع ملی و مذهبی	
لقاء همانندی نژاد	تحركات ترك گراهای عثمانی و مساواتی‌های باکو در شمال غرب کشور	احساسات ضد ارمنی و آسوری	جنگهای مذهبی و قومی در مرزهای شمالی و غربی ایران	
لقاء اسلام دوستی	انتشار نشریات پان ترکی نظیر "آذربایجان" توسط عثمانی‌ها	تقابل نژاد ترک و آریا	قیام شیخ محمد خیابانی در تبریز	
ژرمن‌ها و مقاربت مذهبی و دینی با عثمانی‌ها	مقابله با تهاجمات آسوریه در غرب آذربایجان	احساسات ضد عثمانی	زمینه تأسیس حکومت جمهوری آذربایجان به ریاست محمدامین رسولزاده	
نفوذ آلمانیها در میان عشایر و قبایل	انتشار نشریه ایرانشهر در آلمان توسط ناسیونالیستهای ایرانی در مقابل ترکهای آذربایجان	در بین دموکراتها و رهبران محلی آذربایجان	و حزب مساوات در قفقاز	
	پیوستن مجاهدین مهاجر ایرانی به جنگ عثمانی‌ها بر علیه روسها	تأسیس حکومت «اتحاد اسلام» در آذربایجان توسط عثمانی‌ها	تأسیس حکومت «اتحاد اسلام» در آذربایجان توسط عثمانی‌ها	
	فتوای جهاد علمای عتبات	تقویت قوای نظامی روسیه در آذربایجان به بهانه حفظ امنیت این منطقه	تقویت قوای نظامی روسیه در آذربایجان به بهانه حفظ امنیت این منطقه	
	تشکیل کمیته دانشناکسیون توسط ارمنی‌ها	اقدامات ناسیونالیستهای ایرانی برای مقابله با عقاید پان ترکی در روزنامه های کاوه، ایرانشهر، نامه فرنگستان و آینده	اقدامات ناسیونالیستهای ایرانی برای مقابله با عقاید پان ترکی در روزنامه های کاوه، ایرانشهر، نامه فرنگستان و آینده	
	در آذربایجان برخی از روحانیون به جنگ با روسها پرداختند	اعزام ولیعهد به تبریز	اعزام ولیعهد به تبریز	
	تبعید شیخ محمد خیابانی و نویری به بهانه همکاری با ارامنه			

وابستگی ایران به دول درگیر در جنگ جهانی اول

می توان گفت دول روسیه و انگلیس نزدیک به یک دهه قبل از آغاز جنگ و در قالب قرارداد سال ۱۹۰۷ زمینه را برای وابستگی بیشتر ایران و دخالت این دولتها در امور داخلی کشور را فراهم کرده بودند (جوادی ارجمند و موسوی، ۱۳۹۳: ۵۴ و فوران، ۱۳۷۸: ۹۸) این قرارداد که با هدف رفع اختلاف بین دو ابرقدرت و جلوگیری از نفوذ و قدرتیابی آلمانیها بسته شد بعدها سبب انزجار احزاب، گروه ها و روزنامه‌ها بر علیه دولتهای انگلیس و روسیه گردید چرا که این قرارداد علاوه بر محدود کردن

نهضت های آزادی خواهی در ایران استقلال کشور را با تهدیدی جدی مواجه می ساخت (کاتم، ۱۳۷۸: ۳۱)

این وابستگی با انعقاد قرارداد ۱۹۱۵ تشدید گردید (کدی، ۱۳۷۵: ۹۰) و در عمل مهری بر محو شدن ایران از پهنه جغرافیایی سیاسی جهان بود زیرا بر اساس این زدو بند سیاسی محرمانه ایران تجزیه و در اختیار دو امپراطوری بزرگ جهانی قرار می گرفت (ملائی توانی، ۱۳۸۷: ۶۷ و صفائی، ۱۳۴۴: ۱۶۹). دولت روسیه با استقرار حکام وابسته ای همچون صمدخان مراغه‌ای در مناطق شمال غربی ایران عملاً کنترل اداره این منطقه را در اختیار داشتند (آوری، ۱۳۶۳: ۵۶ و دولت آبادی، ۱۳۸۷: ۷۶). اقدامات مداخله جویانه دولتهای روسیه و انگلیس سبب ایجاد نوعی انزجار و ناامیدی در بین ایرانیان شده بودند و آنها مدتها بود که به دنبال یافتن قدرت سومی بودند که از آنها در برابر ظلم و زیاده خواهی دولتهای روسیه و انگلیس حمایت کند. با شروع جنگ جهانی اول به دلیل درگیری روسیه و انگلیس در جنگ و پیروزی‌هایی که توسط آلمانها به دست آمده بود در بین ایرانیان دلگرمی ایجاد کرده بود (میروشینکف، ۱۳۵۷: ۸۷) در این اثنا مستوفی الممالک با گماردن محمد حسن میرزای ولیعهد به عنوان حکمران آذربایجان توانست قدری از مظالم صمد خان مراغه‌ای را که دست نشانده روسها بود را کاهش دهد.

با شروع جنگ جهانی اول و شکل گیری ائتلاف در نیروهای سیاسی کشورهای متخاصم هر کدام از طرفین جنگ برای تامین اهداف خود نیاز به یافتن جبهه های جدیدی در سطح دنیا بودند. در این راستا ائتلاف موسوم به متحدین برای مقابله با متفقین در جبهه های شرقی تلاش کردند تا با استفاده از ظرفیتهای مختلفی همچون ظرفیتهای اجتماعی و فرهنگی این مناطق جای پای برای حضور و گسترش نفوذ خود در کشورهای خاورمیانه ایجاد کنند (رعنائی، ۱۳۹۶: ۷۶) در این راستا بود که اتحادیه ای اسلامی متشکل دولتهای عثمانی، ایران و افغانستان بر علیه دولتهای روسیه و انگلیس تشکیل شد. دول محور قصد داشتند از این منطقه برای رسیدن به هند و ضربه زدن به دولت انگلیس استفاده کنند (احرار، ۱۳۵۲: ۵۴ و اتحادیه، ۱۳۸۷: ۱۶۷) یکی دیگر از اهداف دولت عثمانی برای تضعیف انگلیس در منطقه آسیب زدن به لوله‌های نفتی این کشور بود که در سرتاسر دشت خوزستان امتداد داشت. این موضوع نه تنها سبب تقویت نیروهای نظامی بریتانیا در جنوب ایران شد بلکه دولت روسیه راه هم در شمال کشور به این فکر فرو برد که آنها نیز باید اقدامات پیشگیرانه

ای برای محافظت از میدانهای نفتی باکو در قفقاز انجام دهند (آوری، ۱۳۶۳: ۷۸). از این رو دولت روسیه قوای نظامی خود را در شمال ایران تقویت کرده و با دخالت در امور داخلی کشور سعی داشت قدرت خود را در این منطقه حفظ کند.

این موضوع سبب شد دولتهای عثمانی و آلمان نفوذ و حضور بیشتری در ایران به ویژه در مناطق غربی آن پیدا کنند و این موضوع در واقع سیاست بی طرفی ایران را در جنگ تحت الشعاع قرار داده و ایران را وارد منازعه ای ناخواسته می نمود (احرار، ۱۳۵۲: ۸۹ و ماپرلی، ۱۳۶۹: ۴۳). این جریانات سبب شد علاوه بر دولتهای روسیه و انگلستان که قبل از این ایران را بین خود تقسیم کرده بودند پای دولتهای جدید نیز به جریانات سیاسی کشور باز شود و این موضوع در واقع میزان وابستگی کشور را به بیگانگان فزونتر می ساخت. در جدول شماره ۲ علل، رویدادها، پیامدها و نتایج این وابستگی ذکر شده است.

ضعف دولت مرکزی

ایران در آغاز جنگ جهانی اول کشوری از نظر سیاسی و اقتصادی ضعیف بود و انقلاب مشروطه نیز تا حدودی با شکست مواجه شده بود. احمدشاه قاجار تازه به سن هجده سالگی رسیده و تاجگذاری کرده بود قدرت و اختیاری نداشت. قریب هفت هزار سرباز روسی که به عناوین مختلف در ایالات شمالی کشور حضور داشتند به موجب قرارداد ۱۹۰۷ روس و انگلیس برای خود حقوق و امتیازات خاصی در شمال ایران قائل بودند. بحرانهای اقتصادی، وضعیت ناپایدار سیاسی، مداخلات بیگانه و از رونق افتادن سنت ولیعهد نشینی تبریز کنترل دولت مرکزی را بر منطقه آذربایجان با چالشی اساسی مواجه کرد. در سال ۱۹۱۸ وضع مردم به قدری بد بود که هیچ مخاطره‌ای قادر نبود از نظر اهمیت به پای قحطی برسد که در آن سال بر فلاکت و بدبختی آنان افزوده شده بود. ترک ها دوباره آذربایجان را اشغال کرده بودند و مجدالسلطنه دست نشاده ترکها بر سراسر آذربایجان حکومت می کرد. در حالی که ولیعهد در کاخ خود در تبریز زندانی بود.

جدول ۲- علل، رویدادها، پیامدها و نتایج مرتبط با وابستگی ایران به دول درگیر در جنگ جهانی

اول

علل	رویدادها	پیامد	نتیجه
وابستگی	مخالفت شاه و ملی گرایان کوچ رهبران و نخبگان سیاسی به استانبول، بغداد و برلن سرکوب قیامهای مردمی آذربایجان اشغال مناطق شمالی ایران توسط روسها انعقاد قرارداد ۱۹۰۷ بین روسیه و انگلستان ماه مه ۱۹۱۴ قرارداد تامین نفت نیروی دریایی انگلیس با شرکت نفت ایران و انگلیس	به ثمر ننشستن انقلاب مشروطه تبعید و اعدام مشروطه خواهان آذربایجان انزجار از دولتهای انگلیس و روسیه شکست در ایجاد نظام سیاسی چند حزبی مجلس وابسته مطبوعات وابسته و بی خاصیت فعالیت جاسوسان آلمانی در ایران	سیاسی شدن فزاینده مختلف جامعه گرایش احزاب و گروه ها به متحدین مجلس سوم بر علیه روس و انگلیس و هم پیمان با برلین تلاش برای تشکیل مقاومت ملی و تغییر پایتخت گرایش روزنامه ها به دولتهای عثمانی و آلمان تبریز محل مناقشه روسیه و عثمانی عدم شرکت ایران در معاهده صلح ورسای

بودجه دولت از وامهایی که از انگلیس و روسیه گرفته می شد تامین می شد (جوادی ارجمند و موسوی، ۱۳۹۳: ۳۹) در این دوران شاهد حضور متخصصین و شرکتهای بازرگانی و صنعتی آلمان نیز هستیم (جوادی ارجمند و موسوی، ۱۳۹۳: ۸۷). یکی از عوامل ضعف دولتهای مرکزی در این دوران ناتوانی در پرداخت درخواستهای مالی والیان آذربایجان، تجهیز نظامیان و پرداخت حقوق کارمندان دولت بود. با شروع جنگ به دلیل اینکه شرکای تجاری ایران درگیر جنگ شده بودند

تجارت خارجی ایران نیز رو به افول نهاده و در نتیجه توانمندی مالی دولت کاهش یافت (عیسوی، ۱۳۶۲: ۱۷۶) در نتیجه جنگهای داخلی و بسته شدن راههای تجاری در این دوره شاهد افول درآمدهای گمرکی و کشاورزی نیز هستیم (گرکه، ۱۳۷۷: ۱۳۳ و میلسپو، ۱۳۵۶: ۶۵) این مشکلات مالی در کنار مداخلات دولت روسیه در گردآوری مالیات اوضاع مالی دولت را وخیم تر می کرد.

با شروع جنگ جهانی اول فرصت مناسبی برای تحرک و پویایی بیشتر نیروهای داخلی کشور ایجاد شد اما این فرصت نیز نه تنها منجر به اتحاد و انسجام این نیروها نگردید بلکه به دلیل گرایش هر کدام از آنها به سمت قدرتهای بیگانه و نیز به دلیل ضعف قدرت مرکزی در سازماندهی، رهبری و هدایت این نیروها در این دوره شاهد جریانات سیاسی و اجتماعی متفرق و غیر منسجم هستیم که بیشتر آب در آسیاب دشمن محسوب می شد. دولت مرکزی بنا به دلایل متعدد از جمله ضعف بنیه اقتصادی و نبود ارتش و نیز حضور نیروهای نظامی روس و انگلیس بسیار ضعیف شده بود (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۱۴۵ و نظری، ۱۳۸۶: ۱۲۱).

رشد فزاینده هیجانات سیاسی در سپهر عمومی جامعه و سیاسی شدن جامعه به ویژه در اقشار خاصی نظیر افسران ژاندارمری و تعامل آنها با دموکراتها از دستاوردهای جنگ جهانی اول در ایران محسوب می شود (اتابکی، ۱۳۸۷: ۷۸). در این دوران در برابر ملیونی که سودای آزادی ایران از یوغ استثمار بیگانگان را داشتند فرصت طلبانی قرار داشتند که از اوضاع و احوال تازه ایران سعی می کردند به نفع خود بهره برداری کنند. برخی از گروه ها از متفقین جانبداری می کردند و گروهی دیگر از ائتلاف نیروهای متحد جانبداری می کردند و گروهی هم سعی داشتند دل هر دو جناح را به دست بیاورند. در این دوران بسیاری از ملیون وطن دوست که مخالف سیاستهای انگلیس و روسیه بودند از ایران رفتند و ناصرالملک که در فکر ایجاد یک نظام سیاسی چند حزبی بود موفقیتی کسب نکرد (آوری، ۱۳۶۳: ۳۹). در این دوران اصناف نیز دارای قدرت مستقل نبوده و پارلمان سوم نیز به دلیل وابستگی به نیروهای سیاسی فاقد قدرت لازم برای ایفاء نقش ذاتی خود بودند. در پارلمان سوم بسیاری از نمایندگان با حمایت دول روسیه و انگلستان انتخاب شده و مجبور به پیشبرد سیاستهای آنها بودند.

ضعف دولت مرکزی در این دوران بیش از پیش نمایان بود و ناپایداری بودن کابینه و کشمکش گروه های مخلف برای به دست گرفتن قدرت از نشانه های بارز این تزلزل محسوب می شود (کسروی، ۱۳۸۴: ۱۵۹). با توجه به ضدیت دموکراتها با دولتهای انگلیس و روس، این دولتها از حزب دیگری که در برابر حزب دموکرات قرار داشت و حزب اعتدالیون نام داشت حمایت می کردند که این موضوع نیز از عوامل انشقاق در نیروهای سیاسی داخلی ایران در این دوران محسوب میشود. جراید و مطبوعات در این دوره نشر می یافتند اما به دلیل تیراژ پایین و وابستگی مالی به برخی از گروه های سیاسی کیفیت محتوایی نازلی داشتند و نمی توانستند رسالت ذاتی خود در امر اصلاح گری، آگاهی بخشی و شفاف سازی را به درستی ایفا کنند.

در این دوران دول محور با علم بر انزجار ایرانیان از دولتهای روسیه و انگلیس سعی کردند قدرت اقتصادی و سیاسی خود را به رخ ایرانیان کشیده و نفوذ خود را در ساختار قدرت سیاسی ایران تثبیت کنند (Shirazi, 2001). آنها فعالیت های جاسوسی مختلفی را از شمال تا جنوب ایران ترتیب دادند که مجروح شدن سرکنسول انگلیس در اصفهان در یک اقدام تروریستی، به قتل رسیدن معاون کنسولگری انگلیس در شیراز، خروج نمایندگان سیاسی و کارمندان بانک های شاهنشاهی از شهرهای شیراز، کرمان و یزد از جمله نتایج فعالیت این جاسوسان بود که با کمک برخی از نیروهای داخلی همچون دموکراتها و قبایل و به رهبری برخی از فعالان سیاسی دول محور انجام می گرفت (آوری، ۱۳۶۳: ۲۳۴). فعالیت های جاسوسی آنها همچنین برنامه های مورد نظر آلمان در ایران از قبیل برنامه های اقتصادی، ایجاد کنسولگری در شهرهای مختلف ایران، امتیاز کشتیرانی، خطوط راه آهن، بانک آلمان و شرق، نفوذ میان ایل ها، عشایر و روحانیون را تقویت می کرد (میراحمدی، ۱۳۶۸: ۱۸۹) این اقدامات ضربات جبران ناپذیری بر قدرت سیاسی انگلیس در جنوب ایران وارد کرد.

ایران در عصر قاجار فاقد نیروی نظامی نیرومند و قابل اعتنا بود. تنها نیروی نظامی منظم در این دوران قوای قزاق بود که تحت فرماندهی قوای روس که تجهیزات آنها را تامین می کردند عمل می کردند (ماماتوف، ۱۳۶۲: ۲۱۳ و سپهر، ۱۳۶۲: ۱۴۸). دولت روسیه برای حفظ قدرت خود با تشکیل نیروی نظامی متمرکز و پیشرفته مخالفت می کرد. روسیه برای حفظ امنیت در شمال ایران نیروهای خود را در این منطقه نگه داشته بود و ترسی که مردم از جنایتهای بیرحمانه روس ها و همجواری

تحلیل عوامل داخلی و خارجی تأثیرگذار بر وضعیت سیاسی-اجتماعی تبریز در جنگ جهانی اول

بسیار نزدیک با روسیه داشتند امنیت را در این منطقه تامین می‌کرد(آوری، ۱۳۶۳: ۲۱۳ و کسروی، ۱۳۸۴: ۲۴۵)

ضعف قدرت نظامی ایران سبب شد موضع بی طرفی ایران که در ۲۵ مرداد ۱۲۹۳ توسط مستوفی الممالک بصورت رسمی اعلام شده بود، نادیده گرفته شود(کاووسی عراقی، ۱۳۸۰: ۱۷۸). این مساله حتی سبب شد بعد از پایان جنگ ایران از حضور در معاهده صلح ورسای نیز منع شود(آوری، ۱۳۶۳: ۴۳). در جدول شماره ۳ علل، رویدادها، پیامدها و نتایج ضعف دولت مرکزی ایران ذکر شده است. جدول ۳- علل، رویدادها، پیامدها و نتایج مرتبط با ضعف دولت مرکزی ایران در جنگ جهانی اول

نتیجه	پیامد	رویدادها	علل	
نادیده گرفتن بی طرفی ایران در جنگ جهانی اول	- تقابل احزاب اعتدالیون ، دموکراتها و محافظه کاران	استقراض از بانکهای روس و انگلیس	ضعف بنیه اقتصادی	ضعف دولت مرکزی
اشغال تبریز توسط نیروهای عثمانی و روس	حکمرانی محلی وابسته	تامین بودجه دولت از دولتهای بیگانه	ضعف نظامی دخالت دولتهای بیگانه	مرکزی
شکاف در حاکمیت سیاسی ایران	مرزهای ایران	دادن امتیازات مختلف از قبیل تلگراف، ساخت خط آهن، نفت و ... به دولتهای روس و انگلیس	فقدان ارتش ملی حکام دست نشاند	مرکزی
خارج شدن آزادخواهان تبریز از زیر فشار مستبدانی نظیر صمد خان در خلال جنگ جهانی	- هر کدام از دول درگیر در جنگ ایران را به عنوان یک موقعیت مناسب برای رسیدن به اهداف سیاسی، اقتصادی و نظامی خود قلمداد می کردند	حضور متخصصین فنی و مریبان نظامی و شرکتهای بازرگانی و صنعتی آلمانی	آنارشسیسم در حکمرانی از رونق افتادن سنت ولیعهد نشینی در تبریز	مرکزی
آزاد شدن برخی از روزنامه ها در اظهار نظر انشقاق در نیروهای داخلی		کابینه نا استوار گرانی ، داد و ستد بی رونق و درازی جنگ مایه دلتنگی مردم شده و کاهش ارزش پول رایج مصادره محصولات کشاورزی، دامی و خود دام ها توسط نیروهای متخاصم ویرانی شبکه آبیاری باقی ماندن داد و ستد و پیشه وری در سطح محلی قحطی		

نتیجه گیری

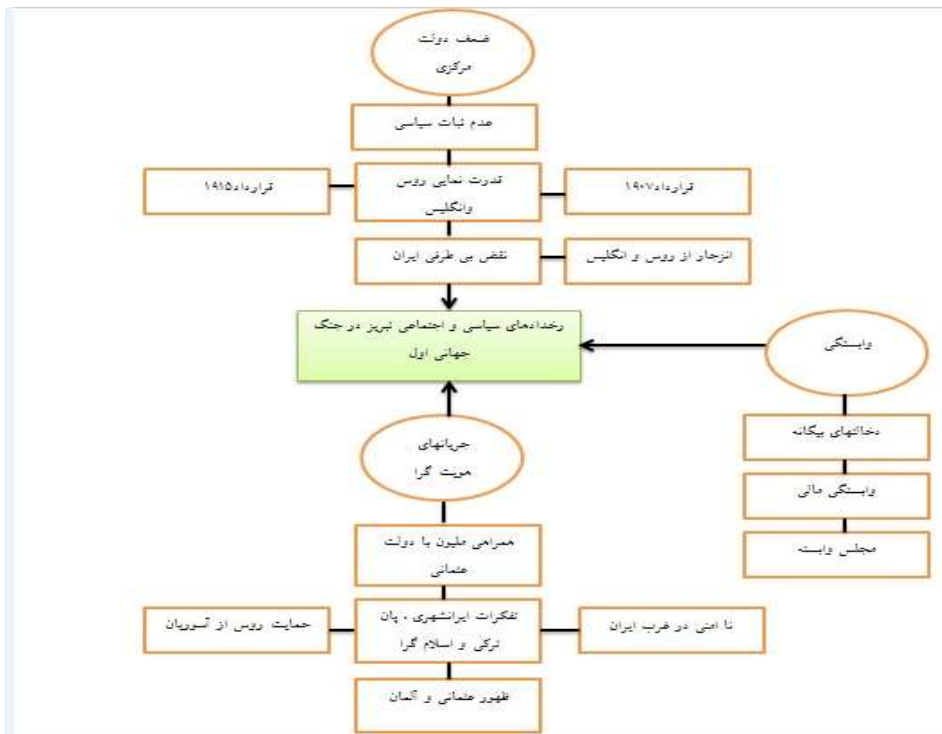
وضعیت ایران در جنگ جهانی اول از جنبه‌های مختلف قابل بررسی است. ایران علیرغم اعلام بی‌طرفی یکی از کشورهای مورد توجه کشورهای متخاصم بود و این موضوع اهمیت ایران برای هر کدام از این کشورها نشان می‌دهد. جنگ جهانی اول علاوه بر اینکه معادلات و جبهه بندی های سیاسی جهان را تغییر داد در ایران نیز معادلات قدرت نیروهای داخلی و خارجی را دگرگون نموده و سبب شکل گیری تحولات و تغییرات بسیاری در آرایش و مناسبات این نیروها گردید. این در حالی است که به فاصله خیلی کمی قبل از این رویدادها ایران شاهد تحرکات بسیار خوبی در زمینه دموکراسی خواهی، مدرنیزاسیون، اصلاح ساختارهای سیاسی و شیوه‌های حکمرانی بود که یکی از اثرات وقوع جنگ جهانی متوقف شدن این تحرکات و شکست جنبش مشروطه طلبی و سرکوب گروه های حامی جریان نوسازی سیاسی بود. در این دوره استراتژی نیروهای بیگانه در درون کشور از استراتژی تفاهم و توافق دو جانبه بین روسیه و انگلیس به استراتژی رقابت و کشمکش چند جانبه بین دول محور و متفقین تبدیل گردید. در نتیجه این تغییرات توازن قدرت سیاسی و اقتصادی دولت‌های بیگانه با یکدیگر و با دولت مرکزی ایران تبدیل به چالش تقابل و تضاد نیروهای درگیر شد. نتیجه این تقابل حضور نیروهای بیگانه جدید و گسترش دامنه اهداف و مداخلات سیاسی آنها در اتفاقات داخلی ایران بود. جریان‌ات مذکور زمینه را برای تضعیف دولت مرکزی، مداخله بیشتر دولت‌های بیگانه، وابستگی بیشتر ایران و تضعیف قدرت نیروهای درونی نظام و از بین رفتن انسجام داخلی گردید. در این دوره جایگاه و نفوذ تاریخی ابرقدرت‌های بزرگ از جمله روسیه و انگلیس متزلزل گردیده و فضا برای عرض اندام کشورهای جدید در ساختارهای سیاسی، نظامی و اقتصادی ایران فراهم گردید. نیروهای متخاصم برای تامین اهداف خود از تمامی حربه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی استفاده کردند. ایران به دلیل برخورداری از موقعیت جغرافیایی خود که می‌توانست ارتباط بین شرق و غرب را تسهیل کند و از جانب دیگر به دلیل ترکیب قومی، مذهبی و سیاسی نیروهای داخلی منطقه جذابی برای کشمکش و قدرتمندی نیروهای متخاصم محسوب میشد. دولت‌های روسیه و انگلیس پایگاه اجتماعی و سیاسی خود را در بین برخی از نیروهای سیاسی نظیر اعتدالیون، نیروهای قومی و مذهبی نظیر آسوریها و مسیحیان و نیروهای نظامی نظیر قزاقها می یافتند و دولت‌ها عثمانی و آلمان هم که با هدف دست اندازی به منافع روسیه و انگلیس در منطقه وارد کارزار جنگ شده بودند از نیروهای سیاسی ملیون و نیروهای اجتماعی و مذهبی اسلام گرایان و هویت طلبان

تحلیل عوامل داخلی و خارجی تأثیرگذار بر وضعیت سیاسی-اجتماعی تبریز در جنگ جهانی اول

برای رسیدن به اهداف خود بهره گرفتند. بنابراین در جنگ جهانی اول علاوه بر تقابل نیروهای بیگانه زمینه برای تقابل نیروهای درونی کشور نیز فراهم گردید. این جنگ از نظر اقتصادی هم آثار زیانباری به جا گذاشت چرا که بخش زیادی از آذوقه کشورهای متخاصم از طریق مصادره محصولات کشاورزی و دامی مردم تامین می شد. توسعه صنعتی در این دوران متوقف و قحطی و فقر بیشتر مناطق ایران را فراگرفت. این شرایط در تضعیف بیشتر دولت مرکزی و عدم ثبات سیاست داخلی و ناپایداری کابینه تأثیرگذار بود.

بنابراین می توان گفت جنگ جهانی برای ایران از منظر اجتماعی و سیاسی دارای تأثیرات چشمگیری بود که بویژه برخی از مناطق به دلیل موقعیت مکانی و شرایط سیاسی و اجتماعی خود بیش از مناطق دیگر تحت تأثیر این جریانات قرار گرفتند که آذربایجان و شهر تبریز از جمله این مناطق به حساب می آید. در شکل شماره اول نشان داده شده است که جریانات تأثیرگذار بر تحولات سیاسی و اجتماعی شهر تبریز در جنگ جهانی اول ترسیم شده است.

شکل ۱- جریانات تأثیرگذار بر تحولات سیاسی و اجتماعی تبریز در جنگ جهانی اول



در این اثنا آذربایجان و شهر تبریز به دلیل قرار گرفتن در قلمرو قدرت‌نمایی روسها و همچنین به دلیل ساختار قومی و مذهبی خود به یکی از جبهه‌های مناقشه روسیه و دولت عثمانی تبدیل شد. در این منطقه وجود تنوع قومی و مذهبی بسترهای لازم را برای گسترش تحركات هویت‌طلبانه و استقلال‌طلبی فراهم می‌ساخت. دولت عثمانی با تاکید بر اشتراکات فرهنگی و قومی خود با ساکنین این منطقه و آلمانها با مطرح کردن قرابت نژادی خود با ایرانیان و تاکید بر نژاد آریا سعی کردند جایگاه مستحکمی در مناسبات سیاسی منطقه برای خود ایجاد کنند. در مقابل دولت روسیه نیز که موقعیت خود را متزلزل می‌دید با حمایت از مسیحیان آسوری و ارمنی منطقه و افزایش قدرت نظامی خود سعی نمودند موقعیت گذشته خود را احیا کنند. در این دوره تحركات ترک‌گرای عثمانی و مساواتی‌های باکو در شمال غرب کشور گسترش یافت. این تحركات نه تنها مناقشات دولتهای بیگانه را در منطقه بسترسازی نمود بلکه زمینه لازم را برای تقابل نیروهای داخلی نیز فراهم ساخت. تقابلی که نه تنها در عرصه تفکر و در لابلای نشریات و مجادلات فکری (در نشریات "آذربایجان" و "ایران‌شهر" بلکه در عرصه عمل در تقابل ملیون با استقلال‌طلبان ترک و کرد و تقابل اسلام و مسیحیت خود را بوضوح نشان می‌داد. حاصل چنین تحركاتی در آذربایجان شکل‌گیری حرکات ناسیونالیستی از نوع ملی و مذهبی، جنگهای مذهبی و قومی، قیام شیخ محمد خیابانی در تبریز، تأسیس حکومت جمهوری آذربایجان به ریاست محمدامین رسولزاده و حزب مساوات در قفقاز، تأسیس حکومت «اتحاد اسلام» در آذربایجان توسط عثمانی‌ها، تقویت قوای نظامی روسیه در آذربایجان به بهانه حفظ امنیت این منطقه و اقدامات ناسیونالیستهای ایرانی برای مقابله با عقاید پان‌ترکی در روزنامه‌های کاوه، ایران‌شهر، نامه فرنگستان و آینده بوده است.

در جریان جنگ جهانی اول استقلال و خودمختاری ایران بیش از پیش مورد تهدید قرار گرفت. در این دوران نیز اعطاء امتیاز به بیگانگان فزونی گرفته و نخبگان و قدرتهای فکری جامعه محدود و تبعید شدند. کوچ رهبران و نخبگان سیاسی به استانبول، بغداد و برلن، سرکوب قیامهای مردمی آذربایجان، شکست انقلاب مشروطه و تبعید و اعدام مشروطه خواهان، شکست در ایجاد نظام سیاسی چند حزبی، مجلس و مطبوعات وابسته از جمله پیامدها و نتایج این وابستگی محسوب می‌شود.

ضعف اقتصادی و سیاسی دولت مرکزی ایران یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر جریان‌های اجتماعی و سیاسی آذربایجان در جنگ جهانی اول می‌باشد. وابستگی دولت به وام‌ها و منابع استقراری از دول بیگانه، تجارت خارجی ضعیف و ضعف اقتصاد بازرگانی، گمرکی و کشاورزی از عوامل مهم ضعف مالی دولت مرکزی ایران محسوب می‌شود. در این دوره همچنین علیرغم نفوذ سیاست در سپهر عمومی جامعه به دلیل انشقاق در نیروهای درونی جامعه و ضعف مدیریت دولت مرکزی نه تنها انسجام و کش سازنده‌ای بین نیروهای داخلی شکل نگرفت بلکه زمینه برای اختلافات و مناقشه بین این نیروها فراهم می‌شد. فقدان نیروهای نظامی قوی و ارتش منسج نیز مزید بر علت بود تا دولت مرکزی ایران نتواند کنترل لازم را بر جریان‌های سیاسی و اجتماعی خود داشته باشد که این موضوع در نقض بی‌طرفی ایران در جنگ جهانی اول کاملاً مشهود بود. ضعف دولت مرکزی و مخالفت روسیه با احیاء سنت ولیعهدی در تبریز از جمله عوامل مهمی بود که کنترل دولت مرکزی بر این شهر را محدود و عرصه را برای قوت‌نمایی دولتهای عثمانی و روسیه فراختر می‌کرد. فقدان ارتش ملی، حکام دست‌نشانده محلی، کابینه ناستوار، تقابل احزاب و گروه‌ها، شکاف در حاکمیت سیاسی و انشقاق در نیروهای سیاسی داخلی از جمله عواملی است که نشانگر ضعف دولت مرکزی در این دوران می‌باشد.

منابع

۱. اتابکی، تورج (۱۳۸۷). جنگ جهانی اول؛ ایران و جنگ جهانی اول، گردآوری تورج اتابکی، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران، ققنوس.
۲. اتحادیه، منصوره (۱۳۷۸). دولت موقت ایران؛ ایران و جنگ جهانی اول. گردآوری تورج اتابکی، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران، ققنوس
۳. احرار، احمد، (۱۳۵۲)، توفان در ایران، تهران: نوین
۴. استپانیان، هراچ (۱۳۸۴). «مقدمه‌ای بر پان‌ترکیسم»، تهران: ماهنامه آراکس، چاپ اول.
۵. آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۷). ایران بین دو انقلاب. ترجمه کاظم فیروزمند و دیگران، تهران، نشر مرکز

۶. آقاسی، مهدی (۱۳۵۰). تاریخ خوی. مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران، تبریز.
۷. آوری، پیترو (۱۳۶۳). تاریخ معاصر ایران از تاسیس تا انقراض سلسله قاجاریه، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، چاپ اول، تهران: صفا
۸. باست، الیور (۱۳۷۰). سالارالدوله و دیپلماسی ایران و آلمان در جنگ جهانی اول. تاریخ معاصر ایران، سری ۲، شماره ۷: ۳۵-۵۲
۹. بیات، کاوه (۱۳۶۹). ایران و جنگ جهانی اول (اسناد وزارت داخله) به کوشش کاوه بیات، سازمان اسناد ملی ایران، تهران
۱۰. بیگدلو، رضا (۱۳۹۸). برساخت هویت ملی ایران بر مبنای نژاد در دوران جنگ جهانی اول. پژوهشهای تاریخی ایران و اسلام، شماره ۲۴: ۱۸-۱
۱۱. پور حسین خونیق، ابراهیم (۱۳۸۷). بحران آذربایجان در اثنای جنگ جهانی اول: نبرد شکریازی و ساری قمیش، تبریز: نشر اختر، چاپ اول
۱۲. جوادی ارجمند، محمد جعفر؛ موسوی، سیده لیلا (۱۳۹۳). رویکرد کارگزار محور و دیپلماسی ایران در جنگ جهانی اول، فصلنامه سیاست، دوره ۴۴، شماره ۱: ۱۱۸-۱۰۱
۱۳. دشتکی نیا، فرهاد (۱۳۹۷). دولت قاجار و بحران ارومیه در جنگ جهانی اول. مطالعات تاریخی جنگ، دوره دوم، شماره ۴: ۷۶-۴۹
۱۴. دولت آبادی، یحیی (۱۳۸۷). حیات یحیی، مقدمه و تصحیح مجتبی برزآبادی فراهانی، تهران: انتشارات فردوس
۱۵. دیلمقانی، فرشید؛ قاسمی ترکی، محمد علی (۱۳۹۷). جایگاه هویت ملی در ایران نگاهی به تطور تاریخی، الگوها و سیاستهای هویت ملی. پژوهشنامه تاریخ، سال سیزدهم، شماره ۵۲: ۴۴-۱۷
۱۶. رعنائی، شهین (۱۳۹۶). بررسی تأثیرات جنگ جهانی اول بر ساختارهای اجتماعی مناطق غربی ایران. پژوهش های تاریخی، دوره ۹، شماره ۳: ۳۲-۱۸.
۱۷. زریری، رضا (۱۳۸۴). تجدد گرایی و هویت ایرانی در عصر پهلوی. زمانه، شماره ۴۰: ۲۹-۲۴
۱۸. سپهر، عبدالحسین خان (۱۳۸۶). مرآت الوقایع مظفری، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران: میراث فکری
۱۹. صادقی نیا، حمدالله (۱۳۸۸). آذربایجان از منظر ناسیونالیسم ایرانی. پژوهش های ایرانی، شماره ۲: ۷۸-۱۰۶

۲۰. صدیقی، ناصر؛ سلمانی زاده، محمد؛ دین پرست، ولی، جعفری، فرهاد (۱۴۰۰). ناسیونالیسم ایرانی و مسئله آذربایجان و زبان ترکی (با تأکید بر مجلات دوره گذار از قاجاریه به پهلوی). تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال سی و یکم، شماره ۴۹: ۹۱-۷۳
۲۱. صفایی، ابراهیم (۱۳۴۴). رهبران مشروطه، تهران: انتشارات جاویدان علمی.
۲۲. عبدی، عطاءالله؛ ربانی، محمدرضا؛ خلیلی، رضا (۱۳۹۹). روندشناسی تحولات قومی در منطقه آذربایجان؛ تلاش برای ورود به عرصه سیاسی. فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۸۱، سال بیست و یکم: ۱۶۱-۱۳۷
۲۳. عیسوی، چارلز (۱۳۶۲). تاریخ اقتصادی ایران عصر قاجار ۱۳۳۲-۱۲۱۵ ه.ق. ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره
۲۴. فوران، جان (۱۳۷۸). مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، تهران، رسا
۲۵. کسروی، احمد (۱۳۷۶). قیام شیخ محمد خیابانی، به اهتمام محمدعلی همایون کاتوزیان، تهران: نشر مرکز
۲۶. کسروی، احمد (۱۳۸۴). تاریخ هیجده ساله آذربایجان، جلد دوم تهران: امیرکبیر، چاپ سیزدهم
۲۷. کاتم، ریچارد (۱۳۷۸). ناسیونالیسم در ایران. ترجمه احمد تدین، انتشارات کویر
۲۸. کاووسی عراقی، محمد حسن (۱۳۸۰). نقض بی طرفی ایران در جنگ جهانی اول، به کوشش صفا اخوان، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
۲۹. کدی، نیکی (۱۳۷۵). ریشه های انقلاب ایران. ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳۰. کمالی، حبیب اله (۱۳۹۰). نقض بی طرفی ایران در جنگ جهانی اول و پیامدهای آن. فصلنامه مطالعات سیاسی، سال چهارم، شماره ۱۴: ۱۵۰-۱۲۷
۳۱. گرکه، اولریخ (۱۳۷۷). پیش به سوی شرق: ایران در سیاست شرقی آلمان در جنگ جهانی اول، ترجمه پرویز صدری، تهران: کتاب سیامک
۳۲. مابریلی، جیمز، (۱۳۶۹). عملیات در ایران؛ جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۹)، ترجمه کاوه بیات، تهران: رسا

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ. سال نوزدهم. شماره هفتاد و چهار (۷۴) - پاییز ۱۴۰۳

۳۳. ماماتتوف، ن. ب. (۱۳۶۳). خاطرات ماماتتوف؛ بمباران مجلس شورای ملی در سال ۱۳۲۶ قمری، حکومت تزار و محمد علی شاه، ترجمه شرف الدین قهرمانی، به اهتمام همایون شهیدی، تهران: اشکان
۳۴. ملائی توانی، علیرضا (۱۳۷۸). ایران و دولت ملی در جنگ جهانی اول. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه
۳۵. میلسپو، آرتور (۱۳۵۶). ماموریت آمریکایی ها در ایران. ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: پیام
۳۶. میراحمدی، مریم (۱۳۶۸). پژوهشی در تاریخ معاصر ایران برخورد شرق و غرب در ایران ۱۹۵۰-۱۹۰۰، چاپ دوم، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی
۳۷. میروشینکف، ل. ی. (۱۳۵۷). ایران در جنگ جهانی اول. ترجمه ع. دخانیاتی، تهران: نشر فرزانه
۳۸. نظری، علی اشرف (۱۳۸۶). ناسیونالیسم و هویت ایرانی، مطالعه موردی دوره پهلوی اول. پژوهش حقوق و سیاست، سال نهم، شماره ۲۲: ۱۷۲-۱۴۱
۳۹. هدایت، مهدیقلی (۱۳۶۱). خاطرات و خطرات. زوآر، تهران
۴۰. Shirazi, Asgar (2001), The Persian community in germany, Available in <http://www.iranicaonline.org>.